

دولت، عدالت و تأمین اجتماعی

سردبیر

عدالت یکی از ارکان جامعه اسلامی است و برقراری آن در جامعه بسیار سفارش شده است. در قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره حدید به صراحت بیان شده است:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

ما فرستادگان خود را با نشانه‌های روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان همراه کردیم تا مردمان قسط را به پا دارند.

عدالت به نظر اسلام همان توازن در همه مسائل و امور است و توازن نیز شالوده‌ای است که جهان بر آن بنا شده است.

جامعه‌ای که اسلام خواستار ساختن آن است، جامعه قائم به قسط است. جامعه‌ای که عدالت و توازن بر همه نواحی و جوانب آن فرمانروا باشد و در آن اثری از فقر نباشد، چنان که حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌فرمایند: «لو عدل فی الناس لاستغنوا...» اگر میان مردم به عدالت رفتار شده بود همه بی‌نیاز بودند و کسی فقیر نبود.

با توجه به آیات و احادیث می‌توان گفت: برقراری عدالت موجب صیانت دین، قرب به خدا و رسول، دوام قدرت، ثبات دولت، عزت و تعالی، بزرگی و بی‌نیازی، گسترش رحمت، آرامش وجدان، فزونی پیاپی برکات، سامان‌یابی جهان، شادمانی برای مدیریت اجتماع، عزت و کرامت و اصلاح جامعه، و زنده شدن احکام می‌شود.

اصول ذکر شده در بالا بیانگر این حقیقت است که در جامعه اسلامی اگر حاکم، بر وظایف خود به شایستگی عمل کند گامی مؤثر در رفع فقر و حرکت به سوی عدالت برداشته است و اسلام با دستورات و سفارشها و تکالیفی که معین کرده است این راه را هموار می‌کند. از دیدگاه فلسفه سیاسی، عدالت تنها صفت نهادهای اجتماعی است نه صفت انسان و اعمال او و منظور از عادلانه بودن نهاد اجتماعی این است که حقوق و مسئولیتها، قدرت و اختیارات و مزایا و فرصتهای وابسته به خود را عادلانه توزیع کند.

اما واقعیت این است آنچه که در فلسفه سیاسی اسلام درباره عدالت مطرح می‌شود، بدون تردید از ژرفا و معنای بیشتری نسبت به مطالب بیان شده در فلسفه سیاسی غرب درباره عدالت برخوردار است. فلسفه سیاسی غرب عادلانه بودن را در دو معنا جستجو می‌کند:

۱. عدالت به معنای کسب منافع متقابل براساس توافق و قرارداد که در آن انگیزه عمل عادلانه، تأمین منفعت درازمدت فرد می‌باشد؛
۲. عدالت به منزله بی‌طرفی است به این معنا که بتوان از رفتار خود بدون رجوع به منافع شخصی دفاع کرد.

نگاه اندیشمندان این حوزه به مفهوم عدالت متفاوت است، به طوری که «هایک» درباره مفهوم عدالت اجتماعی سخن دیگری دارد. از منظر او مفهوم عدالت اجتماعی که امروزه همه به ویژه روشنفکران و خصوصاً عملگرایان عوام‌گرا به استعمال آن علاقه نشان می‌دهند از حیث منطقی، بی‌اعتبار و بی‌مفهوم است. زیرا مفهوم مدرن عدالت اجتماعی (که عدالت توزیعی را در نظر دارد) صفت عدالت یا بی‌عدالتی را به کل الگوی زندگی اجتماعی نسبت می‌دهد و نه به افراد تشکیل‌دهنده آن و این یک تناقض است، چرا که صفاتی مثل عادلانه بودن یا غیرعادلانه بودن فقط می‌تواند به اعمال عامدانه انسان اطلاق گردد و یا به شرایط و اموری که حاصل مستقیم این اعمال عامدانه هستند. در این مقال قصد نگارنده بررسی نظریه‌های عدالت نیست، بلکه تأکید بر این موضوع است که مفهوم عدالت برای تمام مکاتب بشری مفهومی جذاب، شیرین و قابل تأمل است. اگر بگوییم جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به عدالت، صلح و دوستی نیاز دارد سخنی مبالغه‌آمیز نگفته‌ایم. چرا که انسان معاصر می‌کوشد در کنار توسعه دانش و فناوری به سایر مناسبات زندگی فرهنگی - اجتماعی خود نظم ببخشد و اگر قرار است در تمام مناسبات زندگی انسان تعادل و نظم حاکم شود، حتماً بایستی جوامع بشری برای گسترش و تحقق رفتار عادلانه در سرتاسر

جهان بکوشند. عدالت میوه شیرین آگاهی است و به هر میزانی که معرفت و آگاهی انسان از جهان و رابطه او با هستی روشن تر شود، به نسبت بیشتری می تواند با عدالت انس داشته باشد. در سالهای اخیر در بسیاری از کشورها سیاستمداران با شعار عدالت خواهی و توسعه عدالت بر رقبای خود پیروز شده اند. انسان عاشق عدل است و عدالت مهمترین ارمغان تمدن بشری است و در هر کجای عالم که بیداردلی برای عدالت رنج کشیده است همواره مورد تکریم و احترام بوده است.

در جمهوری اسلامی ایران نیز عدالت از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است و بعد از انقلاب اسلامی تلاش های دولتمردان اسلامی در مسیر توسعه و تحقق عدالت اجتماعی بوده است. اگر از منظری دیگر به این موضوع بنگریم، تمام ادیان الهی برای استقرار حکومت عدالت لحظه شماری می کنند. در دنیای بحران زده امروز برای کلیه ملل دنیا حفظ صلح جهانی، ارتقاء همه جانبه و عدالت اجتماعی آرمان مشترک و رسالتی واحد است و رسالت بنیادین تأمین اجتماعی نیز صیانت از عدالت اجتماعی است.

تأمین اجتماعی با بیش از ۱۰۰ سال توسعه در کلیه کشورها، از منظر اقتصادی و اجتماعی از اهمیتی روزافزون برخوردار بوده و به رکن اساسی در اقتصاد بازار تبدیل شده است. همچنین به عنوان «تثبیت کننده اجتماعی»، «ضربه گیر» اقتصادی و تنظیم کننده «عدالت اجتماعی» عمل می کند. تأمین اجتماعی باید با توجه به شرایط زمانی و جغرافیایی کشورهای مختصر، پیوسته به توسعه و اصلاحات خود جهت پاسخگویی مطلوب ادامه دهد. دو دهه اخیر شاهد موج نوینی از اصلاحات تأمین اجتماعی بوده است که طیف وسیعی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به عنوان روندی حائز اهمیت در دنیای معاصر تحت تأثیر قرار داده است. سازمان بین المللی کار اخیراً گزارشی را با عنوان «امنیت اقتصادی برای جهانی بهتر» منتشر کرده است.

گزارش مذکور مبین این موضوع است که چگونه امنیت اقتصادی همراه با دموکراسی و بودجه دولت جهت تأمین اجتماعی، نه تنها به رشد اقتصادی کمک می کند بلکه قادر است ثبات اجتماعی را نیز ارتقاء بخشد. در حال حاضر نیاز به گسترش دامنه پوشش تأمین اجتماعی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. خلاء موجود در حمایت اجتماعی، یعنی در واقع، حمایت از انسان ها، شامل یکی از ابعاد دنیای نامتعادل کنونی است.

گسترش تأمین اجتماعی می‌تواند نقش کلیدی در سازمان‌دهی این عدم تعادل داشته باشد و فرایند جهانی شدن با رویکرد عدالت اجتماعی را ممکن سازد.

امروزه بیکاری و محرومیت اجتماعی بزرگترین خطر برای امنیت انسان به شمار می‌آید و مبارزه علیه فقر مستلزم مشارکت جهانی است. ایجاد مشاغل آبرومندانه که تأمین اجتماعی جزء کلیدی آن را تشکیل می‌دهد مسیری پایدار به سوی فقرزدایی است.

طبق نظریه سازمان بین‌المللی کار «دولت ملی» نقش بسزایی در کیفیت نظارت جهانی در سطح داخلی و بر پایه یک سیستم مبتنی بر سیاست دموکراتیک، برابری اجتماعی، احترام به حقوق بشر و اجرای قوانین دارد. اکثر کشورهای در حال توسعه می‌کوشند تا وضعیت خود را از یک اقتصاد مبنی بر برنامه‌ریزی کامل به یک اقتصاد مبتنی بر بازار با مدیریت بخش خصوصی تغییر دهند.

اما هم‌زمان با اتخاذ سیاست توسعه بخش خصوصی که با ابلاغ اصل ۴۴ در کشور آغاز شد و ضمناً یکی از عوامل تحرک و پویایی و نشاط اقتصادی خواهد شد، نیاستی از توسعه اجتماعی غفلت کرد. به همین دلیل بیمه‌های اجتماعی به عنوان مؤثرترین ابزار در اختیار جوامع است تا بتوانند بدین وسیله به توسعه اجتماعی کمک کنند. بیمه‌های اجتماعی به عنوان دارایی یک جامعه محسوب می‌شود، جامعه‌ای که با مشارکت و سرمایه مردم شکل گرفته است و خردمندانه‌ترین راه این است که دولت‌ها همواره در خصوص دوام پایداری و استقلال این صندوقها بکوشند و با سرمایه‌گذاری اصولی و مشارکت (پرداخت سهم خود به‌طور مستمر و عادلانه) در تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز این صندوقها کمک کنند.

سازمان تأمین اجتماعی از طریق حمایت از رشد اقتصادی و تقویت انسجام اجتماعی، ایفاگر نقشی محوری در انگیزش توسعه اجتماعی و اقتصادی بوده و می‌باشد. تحقق توسعه عدالت اجتماعی و اقتصادی که از ارکان دولت ارجمند نهم است مستلزم همکاری و همیاری دلسوزانه و مشفقانه است و سازمان تأمین اجتماعی (بیمه‌های اجتماعی) در دستیابی به این دو مهم در تلاش است.

تأمین اجتماعی ایفاگر نقش اساسی در توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در نتیجه کلیه کشورها باید تلاش‌های خود را از سرگیرند تا با مقابله با چالش‌هایی که تأمین اجتماعی با آنها

مواجهه است بپردازند و به منظور تحت حمایت گرفتن آنان که در حاشیه اجتماع زندگی می‌کنند اقدام فوری به عمل آورند و آحاد کثیری از مردم را از حمایت تأمین اجتماعی برخوردار کنند. هر کشوری باید تبیین‌کننده نوع سیستم تأمین اجتماعی خود باشد که نیاز دارد و از عهده هزینه‌های آن بر می‌آید و باید سیستمی را تشکیل دهد که به‌طور اصولی نماد ارزش‌های مردم آن کشور باشد. اتخاذ این تصمیم تنها مربوط به دولت یا مسئولان اجرایی تأمین اجتماعی یا شرکای اجتماعی نمی‌باشد. هرچند که تعهد مسئولان دولت به تأمین اجتماعی در تضمین پایداری بلندمدت اجتماعی و مالی آن نقش اساسی ایفا می‌کند. در یکی از موارد اساسنامه اتحاد بین‌المللی تأمین اجتماعی عبارت ارزشمندی بیان شده است:

«همکاری در سطح بین‌المللی، به منظور ارتقاء و توسعه تأمین اجتماعی در سراسر جهان و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی جمعیت براساس عدالت اجتماعی»
در عبارت فوق‌الذکر مفهوم توسعه تأمین اجتماعی آن هم با رویکرد عدالت اجتماعی بسیاری قابل توجه می‌باشد.

جای نیک‌بختی است که هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و هم به‌طور شفاف و اصولی در آرمان‌ها دولت خدمتگزار نهم، عدالت اجتماعی از جایگاه مناسب و ممتازی برخوردار است.

سازمان تأمین اجتماعی با بیش از ۵۰ سال قدمت از جمله نهادهای مردمی است که مسئولیت میلیون‌ها نفر مردم ایران را در گستره بیمه‌های اجتماعی عهده‌دار می‌باشد و بدون تردید تعامل نزدیک و اثربخش دولت نهم با تأمین اجتماعی قطعاً در تأمین مطالبات جامعه اثرگذار خواهد بود. این سازمان که با سرمایه و مشارکت مردم دوام و بقا دارد، برای تحقق مسئولیت‌های خود چشم‌امید به حمایت و لطف عدالت‌خواهی رئیس محترم جمهوری عدالت‌خواه دارد. چراکه اتحاد راهبردی نهاد دولت و نهاد تأمین اجتماعی قطعاً تسهیل‌گر توسعه عدالت اجتماعی خواهد بود. شاید سازمان تأمین اجتماعی بیش از هر سازمان خدمتگزار دیگر از شعار عدالت‌محوری دولت نهم استقبال کرده است، چراکه آرمان اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی که سازمان تأمین اجتماعی ایران به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران در هیأت رئیسه آن عضویت دارد درباره عدالت اجتماعی چنین بیان شده است:

«هیچ صلحی بدون عدالت اجتماعی و هیچ عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی میسر نخواهد بود.»

از سوی دیگر با توجه به ویژگی‌های «بیمه‌های اجتماعی» که اصول بنیادین سازمان تأمین اجتماعی بر آن استوار است و «بیمه‌های اجتماعی درمان» که نشانگر مزایای کوتاه مدت و اساسی سازمان در تأمین سلامت نیروی کار است، اهمیت سازمان تأمین اجتماعی را از یک سازمان بیمه‌ای فراتر برده و آن را در جایگاه تأمین‌کننده منابع قشر عظیمی از جمعیت تولیدکننده کشور که عمدتاً از دهک‌های میانی جمعیت هستند، قرار داده است.

توجه به «مؤلفه‌های تأمین اجتماعی» که وظایف سازمان را در سه حیطه کلان «مداخلات در بازار نیروی کار»، «بیمه‌های اجتماعی» (مستمری، بازنشستگی، درمان، از کارافتادگی و...) و «تورهای ایمنی» تعریف کند و تأکید ویژه برنامه‌های بیمه اجتماعی بر بازار نیروی کار و حفظ و صیانت جامعه سالم از طریق تعریف پوشش‌های مختلف بیمه‌ای لزوم حرکت برنامه‌ریزی شده در این حوزه را تأکید می‌نماید.

با نگاهی به اصول اساسی بیمه‌های اجتماعی درمان که بر پایه محورهایی چون، «یارانه‌های متقاطع»، «همبستگی اجتماعی» و «بسته‌های خدماتی مشخص» قرار گرفته است، به نوعی رویکرد عدالت محوری را در این برنامه‌های نشان می‌دهد. اگر از منظر موفقیت برنامه‌های بیمه‌های اجتماعی درمان به این موضوع نگاه کنیم، توجه به اصول اساسی زیر ضروری است: «ثبات سیاسی» و «تعهد حاکمیت» در پذیرش بیمه‌های اجتماعی درمان به عنوان معیاری برای پذیرش همبستگی اجتماعی از موارد بسیار با اهمیت موفقیت برنامه‌های مورد توجه است، توجه به «رشد اقتصادی» و تأثیر آن بر استمرار و گسترش عمق پوشش‌های بیمه‌ای، «سطح درآمد» به عنوان مبنایی برای مشارکت مالی و استطاعت مالی بیمه‌شده، «توزیع ریسک» از طریق گسترش بسته‌های نیازهای اساسی، ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی و اجرایی، تمرکززدایی و در نهایت توجه به بعد زمان در اجرا و بکارگیری استراتژی‌ها که به عنوان دیگر ابعاد جدایی‌ناپذیر موفقیت برنامه‌های اجتماعی درمان معرفی شده است.

توجه به نقش وزارتخانه‌های درگیر در بیمه‌های اجتماعی از جمله وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت کار و در نهایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که به ترتیب بر محورهای سیاستگذاری، حفظ بازار کار و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی متمرکز شده‌اند و

تنوع حرکت برنامه‌ریزی شده سازمان تأمین اجتماعی در حیطه‌های ذکر شده، همراه با میزان موفقیت موجود در دستیابی به اهداف سازمانی و ارائه پوشش برای بخش بزرگی از جمعیت شاغل کشور، نماد عدالت محوری سازمان تأمین اجتماعی است.

جامعیت رویکرد موجود در بسته‌های بیمه اجتماعی سازمان که برگرفته از الگوی جهانی مورد تأکید سازمان‌هایی چون اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی و سازمان بین‌المللی کار می‌باشد، نگرش عمومی حاکم بر سازمان را به گونه‌ای مطرح کرده است که بدون شک در این سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات بیمه‌ای موجود سازمان تأمین اجتماعی از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار است.

آنچه که ذکر شد اهتمام جدی سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان کشور را به تأمین اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی بیش از پیش ایجاب می‌کند. توجه به این موضوع که قشر عظیمی از جمعیت تولیدکننده منابع در کشور به عنوان عضو دائمی بیمه اجتماعی بخش نسبتاً بالایی از درآمد خود را برای بیمه اجتماعی اختصاص می‌دهند، اصلاح رویکرد موجود در سهم دولت را به گونه‌ای قابل تأمل تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به این که بیش از یک سوم سهم بیمه درمان را بیمه‌شده پرداخت می‌کند و دولت حتی کمتر از بیمه‌شده در این سهم مشارکت می‌کند! این سؤال را مطرح می‌کند که میزان عدالت در توزیع منابع در بخش بیمه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی از سوی حاکمیت چگونه است؟ پرداخت به موقع بدهی‌های قشر عظیمی از جمعیت کارگر کشور، افزایش منابع اختصاص یافته به سازمان تأمین اجتماعی و رویکرد مستقل در سازمان تأمین اجتماعی در کشور و تصمیم‌گیری مناسب و به دور از حاشیه موضوع‌های سیاسی موجود، وظیفه خطیری است که در صورت کوچکترین لغزش بخش بسیار بزرگی از منابع تولیدی کشور را دچار چالش می‌کند.

استمرار رویکرد عدالت محوری دولت خدمتگزار این انتظار را از منظر بیمه‌شدگان سازمان ایجاب کند که عنایت خاص به تحقق اهداف سازمان تأمین اجتماعی داشته باشد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی